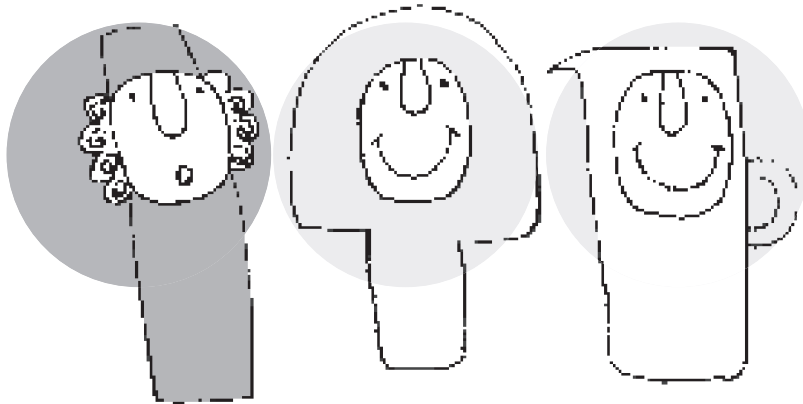


سمیه ستاری

آموزگار دو پایه‌ی دبستان آمنه بروزاد، مبارکه



## درس تاریخ

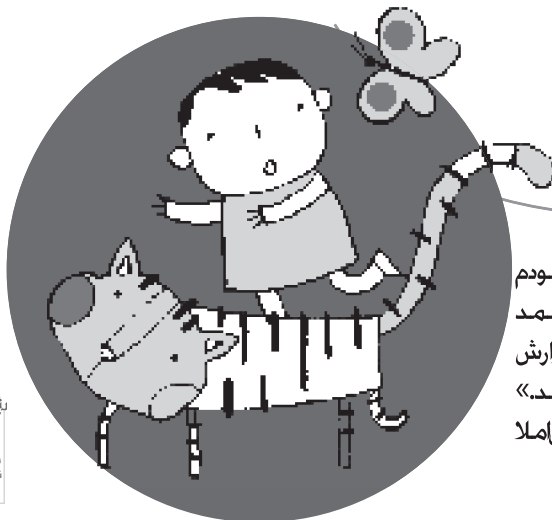
در کلاسی دوپایه، در کلاس محور تدریس، درس تاریخ داشتیم و در کلاس غیرمحور بیچه‌ها با کلمات جدید جمله می‌ساختند.

برای شروع تدریس، از دانش‌آموزان چهارم در مورد درس قبل پرسش‌هایی می‌پرسیدیم. نوبت به محمد رضی رسید و او سؤال کردم، آریایی‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ محمد رضی بدون این که فکری بکند با ابراز خوشحالی از این که پاسخ سؤال را می‌داند گفت: «اجازه خانم، سه دسته: مارت‌ها، قارچ‌ها، پارچ‌ها.»

## داخل دهان امید

یکی از بیچه‌ها همیشه نقطه‌ی «ب» را «ایلان» اشتباه می‌کرد برای این که بهتر یاد بگیرد به او گفتم: «امید، نقطه‌ی ن داخل است، تو وقتی نان می‌خوری نان را کجا دهانت می‌گذاری؟» او با سرعت گفت: «داخل!»

این جریان گذشت یک روز دیدم دانش‌آموز دیگری هم نقطه‌ی «ن» را اشتباه گذاشته است، به او گفتم: «چرا نقطه‌ی «آن» را اشتباه گذاشته‌ای؟ تو که می‌دانی جای نقطه‌ی ن کجاست!» او با خوشحالی گفت: «آره خانم! داخل دهان امید!»



## فرار از املا

سه نفر از دانش‌آموزان را برای درس علوم به مقابل تخته سیاه فراخوانده بودم و از آن‌ها در مورد موجوداتی که فرار می‌کنند، سؤال می‌کردم تا این که نوبت محمد شد، از او هم همین سؤال را پرسیدم، خواستم موجودی را نام ببرد و علت فرارش را بگوید، محمد با خونسردی گفت: «اجازه خانم، فریبرز، او از املا فرار می‌کند.»

همه‌ی بیچه‌ها از نندزیر خنده فریبرز همیشه بیچه‌ها نه‌های گوناگون از نوشتن املا طفره می‌رفت و حتی از مدرسه هم فرار می‌کرد.